

بسم الله الرحمن الرحيم: قطره‌ی ۸۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله-پشت پرده‌ی تئوری نقد امام معصوم- هشداریهای محیط زیستی رهبر انقلاب دامت برکاته -به عقیده‌ی بنده تمام بیانات رهبر انقلاب تکلیف آور است، لذا بنده در معنای رایج تقلید کمی مناقشه دارم تقلید تنها در مسائل وضو و نماز و روزه نمی‌باشد بلکه تمامی کلماتی که در قرآن و کلام اهل‌بیت و علماء آمده است لازم الاجراء می‌باشد، مخصوصاً تمامی کسانی که قائل به تشکیل حکومت دینی هستند باید از حاکم حکومت که ولی‌فقیه جامع شرایط است در مسائل کلان اجتماعی و سیاسی تقلید نمایند و آن مطالب را جامع عمل بپوشانند، و هر کس به هر اندازه‌ای که از این امر غفلت بورزند به همان اندازه ضعیف‌تر می‌باشد، اینجا ضروری است این نکته را بیان نمایم اگر چه که تصریحاً بیان داشتند در جامعه کسی معصوم نیست و همه باید نقد شوند حتی امام معصوم در زمان حضور معصوم و با مطرح کردن تئوری نقد امام معصوم ع تلویحاً عملی تر از گذشته باب نقد رهبر انقلاب دامت برکاته را باز کردند که این مطلب از اساس باطل است و انحرافی سخت می‌باشد که اساس مکتب حقه اهل‌بیت نشان گرفته شده است ولی اعلام می‌داریم: اولاً امام معصوم را نمی‌توان نقد کرد چه در امور آخرتی و چه در امور دنیایی که اگر کسی قائل شود حتی معصومین در امور دنیایی برای ما حجت نباشند سؤال پیش می‌آید: چگونه امامی که برای ما نمی‌تواند از امور دنیای ما صحبت کند و احتمال اشتباه در بیانات او در مورد امور دنیایی وجود دارد، چگونه می‌تواند از امور آخرتی برای ما صحبت نماید، امامی که نتواند دنیای ما را آباد کند چگونه می‌تواند آخرت را آباد نماید؟ اگر احتمال اشتباه در بیاناتی که مربوط به دنیای ما می‌باشد همین احتمال در امور آخرتی وجود دارد، اگر او را می‌توان در امور دنیایی نقد نمود دیگر چرا ما مکاسب می‌خوانیم؟ آیا غیر از این است که مکاسب همان بیانات معصومین در امورات دنیایی است؟ متأسفانه بعضی برای حمایت از این تئوری خطرناک اقدام به تئوریزه نمودن این مطلب نمودند که گفتند: معصومین در امور دنیایی اسوه نیستند که این مصیبت عظیم برای شیعیان است که بنده اسمی برای این مطلب پیدا نمی‌کنم جز اینکه بگویم سقیفه‌ی عصر حاضر اتفاق افتاده است، آیا این روایت (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۲۵، باب ۱۵، تلخیص النخل، ح ۲۴۷۰) با پیامبر خدا (ص) در نخلستانی قدم برمی‌داشتیم و ایشان گروهی را مشاهده کردند که عمل کرده افشانی بر درختان خرما را انجام می‌دادند، سپس از اطرافیان پرسیدند که آنان چه می‌کنند؟ پاسخ داده شد که کرده‌های درختان نر را بر درختان ماده می‌پراکنند! پیامبر فرمود: گمان نمی‌کنم که این کار فایده‌ای داشته باشد. سخن پیامبر (ص) به گوش کشاورزان رسیده و آنان از کار خود دست برداشتند. پیامبر (ص) با مشاهده این وضعیت فرمودند: سخن من از روی حدس و گمان بوده و من انسانی مانند شما هستم. شما کار خود را انجام دهید؛ چون گمان من ممکن است درست یا نادرست باشد! اما هرگاه از جانب پروردگار سخنی به شما گفتم، مطمئناً بر خدا دروغ نخواهم بست-تم- آیا این روایت مورد قبول ماست؟ و آیا با امثال این سخنان چیزی از دین باقی می‌ماند؟ خوب شما که می‌خواهد بگویید رهبر انقلاب دامت برکاته را می‌توان نقد کرد چرا امام معصوم ع را زیر سؤال می‌برید، بلکه امام معصوم را زیر سؤال بردند تا رهبر انقلاب راحت‌تر زیر سؤال برده شود. نکته دوم: ما منکر این نیستیم که بتوان رهبر انقلاب دامت برکاته را نقد کرد که خود رهبر انقلاب نیز معترف به این مسئله هستند که ایشان در بیانات در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱،۰۷،۱۹ فرمودند: من همین جا در داخل پراکنش عرض بکنم؛ یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد-تم- لذا به عقیده بنده رهبر انقلاب نقد و انتقاد را پذیرا هستند که بارها این مطلب دیده شده که سخنان متعرضان را استماع فرموده‌اند و پاسخ متناسب بیان داشته‌اند حتی بیانات بالاتر ایشان در مورد امر به معروف و نهی از منکر را دوباره باید مرور نمود. لذا از مسئولینی که تشویش اذهان عمومی نموده و کلی‌گویی می‌کنند درخواست داریم صریحاً انتقادات خود را بیان دارند تا بجای اتلاف وقت، راه چاره را جویا شویم، متأسفانه در این چند سال ما شاهد نقد پنهان رهبر انقلاب هستیم که در ضمن مطرح‌شدن اسلام رحمانی، مذاکرات هسته‌ای، الگوی پناه به غرب و یا تکیه بر دارایی‌های درونی و ... ملت شاهد بودیم که تماماً بجای منفعت خاصی برای ملت ما را از راه عظیم پیش رو بازمی‌دارد، کار انجام می‌شود و اگر خوب بود دیگران کرده‌اند و اگر اشتباه شد و به نتیجه نرسید می‌گویند توصیه‌ی رهبر انقلاب بوده است، متأسفانه هم اکنون نیز بعضی بجای کار و تلاش امور را منوط به رهبر انقلاب می‌کنند، مثلاً: آقای جعفر زاده عضو کمیسیون تلفیق جدیداً بیان داشته است: بودجه‌ی دولت برای رفع بحران گرد و غبار خوزستان نیاز به اذن رهبر دارد، این بودجه هنوز حذف نشده است بلکه تعلیق شده است- تم- این کار یعنی چه؟ با این کار می‌خواهند بیان کنند مشکل گرد و غبار و این بلای خانمان‌سوز مشکل بودجه است و بودجه هم به رهبر انقلاب بستگی دارد درحالی‌که اگر ده‌ها برابر هم پول بیاید به یقین می‌گویم هیچ کار مفیدی انجام نمی‌شود پول تمام می‌شود اما ...روایت عجیبی از رسول گرامی اسلام ص وارد شده است که می‌فرماید: هر امتی گوساله‌ای دارد و گوساله این امت دینار و درهم است. ولی با این امور اذهان عمومی مشوش می‌شود. به هر حال باید بدانیم اگر جامعه‌ی ما می‌خواهد بجایی برسد باید تمامی شئون در یک سمت حرکت کنند، یک فرمانده وجود داشته باشد و یک عملیات انجام شود، رهبری واحد، حرکت واحد، هدف واحد، آن وقت به نتیجه می‌رسیم، اگر رهبر جامعه فرمانی بدهد و مدیران اجرایی امر دیگری عمل کنند همان می‌شود که در برجام و مذاکرات هسته‌ای دیدیم، دردی دوا نمی‌شود و درد زیاد می‌شود، اگر همان اشتباه تکرار شود همان نتیجه را خواهیم دید، متأسفانه باید مسئولین اجرایی مجری باشند درحالی‌که بعضی از مسئولین اجرایی ما مجری نیستند بلکه رهبر هستند، به هر حال بحث ما تنها آب و خشک‌سالی است، لذا باز عنوان می‌کنیم آقایان اجرایی راهکار خود را برای مشکل آب صریحاً بیان دارید تا ببینیم و نظر دهیم، اینکه راهکار داریم و چه شده و الی آخر بنده یقین دارم راهکار نجات‌بخش ندارید، اگر راهکارتان را ارائه ندهید و راهکارهای ما را هم نبینید و نظر ندهید ما در مرحله بعد تمامی راهکارهای شما را بیان می‌نمایم و دلیل تخصصی بر بطلان آن‌ها را ارائه می‌دهیم. گلچینی از بیانات رهبر انقلاب دامت برکاته در تاریخ ۱۳۹۳،۱۲،۱۷ متن کامل سخنرانی را در سایت khamenei.ir لیدر خامنه‌ای ببینید: (تذکر این متن خلاصه‌ی بیانات می‌باشد که در این برگه آمده است) برای من یک گزارشی آوردند از صحبت‌هایی که در این چند سال از سال ۷۷ تا امروز، پانزده سال درباره‌ی این مسئله کرده‌ایم، خیلی حرف‌ها گفته شده، توصیه‌ها شده، لکن توصیه به تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرک و حرکت جدی‌ای باید دنبال کار باشد. یک جا قرآن می‌فرماید: وَ الْأَرْضَ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ زمین را - یعنی این کوه‌ی ارضی را - برای انسان‌ها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلق به بعضی نیست؛ بعضی حق بیشتری از بعضی دیگری ندارند در آیه دیگر می‌فرماید: وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شما را موظف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیتهای موجود در این مجموعه‌ی کوه‌ی ارضی را به فعلیت برسانید. خیلی از ظرفیتهای هست که ناشناخته است، بعد شناخته می‌شود و بعد اهمیت آن‌ها و ارزش آن‌ها فهمیده می‌شود؛ این کار کار شما است؛ شما باید بکنید. امروز هم که ما خیال می‌کنیم از همه‌ی ظرفیتهای زمین داریم استفاده می‌کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون‌ها برابر آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از مواد زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می‌کنید، بشود به نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم. یک آیه دیگر درباره‌ی الدال‌الخصام است؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیات برایش ذکر می‌شود؛ یکی از خصوصیات این است: اِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ؛ حرث و نسل را از بین می‌برد، فاسد می‌کند؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می‌کند و از بین می‌برد. مشکل اساسی در باب مسائل محیط‌زیست این است که آثار تخریب با آسانی و بزودی ظاهر می‌شود؛ وقتی ظاهر شد،

علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلند مدّت و بعضاً ناممکن است. وقتی انسان‌هایی پیدا شدند که احساس مسئولیت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فریب کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه می‌شود این: قلدری بشر، خط‌شکنی‌های قلدرمآبانه و گردن کلفتی‌های قدرت‌های بشری، قدرت‌های زر و زور در دنیا و در سطح جهان یک چنین نتایج و آثاری دارد. فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل‌کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبران کرد. قضیه‌ی خاک از قضیه‌ی آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه‌ی آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه‌ی خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد. جزو مسائل مهم زیست‌محیطی امروز ما در کشور، مسئله‌ی آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان‌شهرهای کشور؛ خوب، مسئله‌ی مهمی است، این را می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود هم علاج کرد. اگر ما حقیقتاً باهم هم‌دل، هم‌زبان، هم نیت نیروهایمان را روی هم بگذاریم - همه‌ی کسانی که اطراف این قضیه هستند - این کار را می‌شود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس می‌شود [حل] کرد... همه باید دست به دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند. سه عنصر اساسی در محیط‌زیست هست که این‌ها را بایستی مورد توجه قرار داد: هوا، آب، خاک. همه‌ی همت را باید [روی این‌ها] گذاشت. [طبق] این آمار که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل‌ونقل است، سی درصد مربوط به صنایع آلاینده است - حالا این آمار است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیاده‌تر [باشد]؛ در بین شماها متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق‌تر باشد - خیلی خوب، پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حل مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدّیت سراغ این مسئله رفت. مسئله و مشکل پدیده‌ی غبار که دیروز در خوزستان، امروز در کرمان و ممکن است فردا در یک نقطه‌ی دیگر زندگی مردم را مشکل بکند، باید علاج بشود. مشکل پدیده‌ی غبار فقط تنفس مردم نیست؛ به بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور - جنگل‌های بلوط - به خاطر این پدیده‌ی غبار در خطر نابودی است؛ که اگر چنانچه خدای نکرده این مشکل پیش بیاید، ضررهایش به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ما از تنفس در تهران یا در یک جای دیگر در هوای غبارآلود ضرر و زیان می‌بینیم. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [اما] شبکه‌سازی درست نکنیم - کما اینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیه از این قرار است - خوب این آب را در واقع هدر می‌دهیم، تبخیر می‌شود می‌رود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می‌آید. مسئله‌ی خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلند مدّت خطر بزرگ‌تری از کمبود آب است. یک مسئله مسئله‌ی جنگل‌ها و مراتع است؛ این جنگل‌ها و مراتع ما، هم ریه‌های تنفسی شهرها و محیط‌های زندگی‌اند، هم نگهدارنده‌ی خاک‌اند و خاک را که این همه دربار‌ه‌ی اهمیتش گفتیم، حفظ می‌کنند؛ این جنگل‌ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخش‌های مختلف کشور، این جنگل‌های متراکم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت و بعضاً آخر مورد بی توجهی و بی‌اهتمامی قرار می‌گیرد. من تأکید می‌کنم اجازه ندهید به این جنگل‌ها دست‌درازی بشود؛ بخش‌های مختلف کشور که مسئولیتی در این زمینه‌دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیط‌زیست تا بقیه‌ی دستگاه‌هایی که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه‌های مختلف - از شهرسازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل‌داری و مانند این‌ها بگیرد تا مدرسه‌ی علمیه و حوزه‌ی علمیه؛ همه‌ی این‌ها بهانه‌هایی می‌شوند و شده تاکنون - که جنگل‌های ما دست بخورند، به آن‌ها تعرض بشود؛ به جنگل‌ها تعدّی بشود و تاکنون به جنگل تعدّی شده؛ جلویش را با استحکام کامل بگیرید. یک مسئله پدیده‌ی زمین‌خواری است. البته پدیده‌ی زمین‌خواری پدیده‌ی جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ ما از دوره‌ی نوجوانی و جوانی مکرر می‌شنفتیم زمین‌خواران، زمین‌خواران! خوب، توقع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست‌اندازی به زمین‌های گوناگون اطراف شهر و حومه‌های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه‌ی خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه‌ی شهر واقع است، یک ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست‌کاری کردن قانون، با احیاناً خریدن یکی دو نفر آدم سست‌عنصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج‌آور است! حالا بحث زمین‌خواری، یواش‌یواش شده کوه خواری؛ بنده گاهی که می‌روم ارتفاعات شمال تهران و نگاه می‌کنم، انسان واقعاً خیلی متأسف می‌شود. خوب تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابل این سوءاستفاده کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ عرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدم سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]. انسان از آن بالا که نگاه می‌کند، می‌فهمد و می‌بیند که چه کاردارند می‌کنند. اول می‌روند اجازه می‌گیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست می‌کنند؛ بعد که انتهای زمین مال آن‌ها شد، همه‌ی سطح زمین به طور طبیعی قابل نقل‌وانتقال خواهد شد؛ از این کارها می‌کنند. این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک جور، طرف زمین‌های غرب تهران را یک جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که در واقع مرکز تنفس شهر است، دارند افرادی آن بالاخانه می‌سازند، هتل می‌سازند، ساختمان‌های چند طبقه می‌سازند؛ این‌ها بد است، این‌ها غلط است؛ جرم بدانید این‌ها را. یکی از کارهای اساسی «جرم‌انگاری» در قانون است؛ این‌ها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را می‌کنند تعقیب قضائی کرد. صرف اینکه برون قلع بنا بکنند، کافی نیست؛ که آن را هم متأسفانه در مواردی نمی‌کنند، کوتاهی می‌کنند. بنده یک مورد را خودم دیدم در یکی از بیلاقات مشهد - جا غرق - یک دوست قدیمی ما یک زمین کوچکی داشت و دارد. یک آب مختصری به قدر مثلاً نصف آنچه از لوله‌ی قوری می‌آید بیرون، آن بالا بود. این آب را جمع کردند، هدایت کردند، حفظ کردند، چند استخر در این زمین از این آب به وجود آمد و زمین آباد شد؛ از یک آب خیلی مختصر که می‌توانست به هدر برود و هیچ‌کس هم نفهمد و نبیند. «درخت‌کاری» از جمله‌ی کارهای خوب است. البته درخت را می‌کارند، من شنیدم درست نگهداری نمی‌شود. درخت‌کاری رایج شده اما درخت که کاشتید، باید درخت را نگهداری کنید؛ حالا یا خودشان نگهداری بکنند یا دستگاه‌های شهرداری بکنند؛ بالأخره این کار باید انجام بگیرد. یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه‌ی خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات قوچک؛ یک زمینی است متعلق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها از آنجا می‌رویم و ارتفاعات را حرکت می‌کنیم، راه می‌رویم؛ من هر وقت آنجا می‌روم، دلم می‌لرزد! چون میدانم ده‌ها چشم طمع‌کار متوجه اینجا است. کارهایی هم شروع کردند، ما جلویش را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ میدانم موقتاً دست برداشتن، اما منتظرند یک غفلتی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلتی پیش بیاید، بالأخره برون اینجا را تصرف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛ یک بوستان بزرگ شاید چند صد هکتاری - نمی‌دانم چقدر است - که اصلش هم ظاهراً متعلق به ارتش بوده لکن الآن مورد استفاده‌ی ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش و وزارت اطلاعات و این‌ها است. به نظر من اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. مکرر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرف کند، در اختیار مردم بگذارد. جای بسیار وسیع، خوب، خوش‌آب‌وهوا در شرق تهران، پر درخت. حتی من یک‌وقتی آنجا دیدم یک گله‌ی آهو یا بز کوهی بود که از دور دیده می‌شد؛ یک جای این جور. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم برون استفاده بکنند. اگر کوتاهی بشود، آنجا هم مثل بعضی جاهای دیگر [خواهد شد] که متأسفانه کوتاهی شد و یک‌وقت دیدیم که ساختمان‌ها آنجا سر بلند کردند و مدعی پیدا شد. علی بهرامی نیکو